

# احکام الجهاد

○ محمدرضا اصفهانی

○ احکام الجهاد و اسباب الرشاد  
○ میرزا عیسی قائم مقام فراهانی  
○ تصحیح و مقدمه غلامحسین زرگری نژاد<sup>۱</sup>  
○ بقعه، ۱۳۸۱

دوره دوم جنگ‌ها نیز شرکت داشت و پس از شکست دولت ایران مورد سرزنش واقع شد، تا آن جا که از شدت اندوه درگذشت.<sup>۴</sup> نگاهی کوتاه به کارنامه جنگ‌های ده ساله ایران و روس نشان می‌دهد که رهبران مذهبی به دعوت شاه پاسخ مثبت دادند و با پراکندن اعلامیه‌های جهاد یا روس که به «جهادیه» شهرت یافت، با شدت به کفار روس انتقاد کردند.

آری اگر جامعه شیعی در اعصار پیشین با مسائلی همچون ولایت جور و رهیافت به مشروعیت یا حرمت قبول این ولایت رو به رو شد و ناگزیر بود تا در باب اجرای حدود و اخذ خراج و جوایز سلطان و مباحثی نظیر آنها اظهارنظر کند، در دوره قاجار بخش‌های دیگری از ماهیت اغتصابی حکومت مورد بحث واقع می‌شود؛ ماهیتی که نه از دید مردم پنهان است و نه از دید اطرافیان حکومت و بدون کتمان در جهادیه‌هایی که قرار بود به دستور دولت قاجار انتشار یابد، ثبت و ضبط گردیده بود.

در این اثر، مسائلی از این قبیل طرح می‌شود: اقسام حرب مشروع در عهد غیبت کدام است؟ آیا جهاد دفاعی با یقین به کشته شدن و از دست رفتن ارض و ناموس واجب است یا مستحب؟ آیا با گمان تلف شدن مال و کشته شدن فرد، جهاد دفاعی واجب است؟ آیا می‌توان بر کشته جهاد دفاعی در کنار سلطان جور، احکام شهید را جاری ساخت؟ در صورتی که قصد کفار در هجوم به سرزمین مسلمانان فقط غارت باشد، نه بر کندن بیضه اسلام و تصرف دارالاسلام، آیا با گمان کشته شدن باز هم جهاد

در فقه امامی از انواع سه‌گانه جهاد سخن رفته است: جهاد ابتدایی، جهاد دفاعی و جهاد با اهل بغی. جهاد ابتدایی تنها با حضور امام معصوم، یا نماینده و فرماندهان صاحب اذن امام که بدون هیچ واسطه‌ای از آن حضرت اذن جهاد دریافت نموده‌اند، واجب می‌شود.<sup>۲</sup> با فرا رسیدن دوران غیبت که امام در دسترس شیعیان قرار نداشت، و دریافت جواز و اذن مستقیم از آن حضرت ممکن نبود، جهاد ابتدایی بر شیعیان واجب نیامد. چنین باوری قلمرو جهاد واجب در فقه شیعه پس از غیبت را محدود کرد، اما مانع نشد که فقهای امامیه، در آثار عدیده فقهی خویش، فصلی را به بررسی انواع جهاد و مسائل فرعی ناشی از آن اختصاص ندهند. این امر ادبیات جهادی در فقه شیعه را شایسته عنایت خاص قرار داده است. به علاوه در دوره‌های مختلف و گاه به دلیل رو به رو شدن فقها با مسائل جدیدتر، این ادبیات گسترش یافت.

با برآمدن سلسله قاجاریه و هجوم روسیه به سرزمین‌های شمالی ایران در جنگ‌های دوره نخست، شاه قاجار ناگزیر به علما و فقهای شیعه متوسل شد و از ایشان برای جلب حمایت‌های نظری و عملی در برابر تهاجم روس و تشویق مردم برای شرکت در دفاع از میهن کمک خواست تا با فتوای جهاد و فتوای وجوب مدافعه از سرزمین‌های اسلامی به یاری وی شتابند.<sup>۳</sup> دانشمندان شیعه نیز با توجه به بنیان‌های فقه امامی به درخواست فتحعلی شاه پاسخ مثبت دادند و ادب جهادی جدیدی را پی‌ریزی کردند. آقا سیدمحمد مجاهد از جمله این گروه است که خود در

فریبکاری‌هایش برای تأمین نیازهای قشون ایران فرا نرسیده و جدی تلقی نشده بود، دربار تهران با اندیشه میرزا بزرگ قائم‌مقام و عباس میرزا همراه شد و پذیرفت تا برای غلبه بر معضلات مشروعیت نبرد با روس‌ها و نیز مقاومت مردم برای تأمین نیازهای مالی جنگ و بالاخره جهت افزایش همکاری‌های نظامی در نبرد، از فقها و مجتهدان بزرگ و مطلع زمانه استمداد جوید و از آنان صدور فتاوی‌ی جهاد با روس‌ها را درخواست کند. این اشارات در نوشته‌های تاریخی این دوران به خوبی انعکاس یافته ولی تاریخ‌های مختلفی برای آن گزارش شده است، از جمله سال‌های ۱۲۲۰، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴<sup>۱</sup> و ۱۲۳۱<sup>۲</sup> قمری. از سویی بدون تاریخ بودن رساله‌های جهادی، تعیین زمان قطعی این واقعه را دشوار می‌سازد. اگرچه تمامی منابع تاریخی به تمایلات خاص عباس میرزا برای اخذ فتاوی‌ی جهاد از علمای شرع اشارتی ندارند، اما حقیقتاً که نایب‌السلطنه بیش از شاه به اخذ فتواها و تبدیل ماهیت جنگ از نظامی به اعتقادی و میهنی علاقه داشت و درصدد بود تا با مشروعیت بخشیدن به حکومت و نیز تحکیم پایگاه دینی خود، کفایت خویش را به دیگر شاهزادگان بنمایاند.<sup>۳</sup>

به هر صورت علماً فتوا دادند که جنگ با روس دفاع و جهاد، و شاه در حکم مجاهد فی سبیل الله است. « نام علمایی که فتاوی‌ی مستقل صادر کردند و رساله‌ی جداگانه در مجادله و مقاتله با روسیه نگاشتند و به ملا محمدباقر سلماسی و صدرالدین تبریزی دادند بدین قرار است: شیخ محمدحسن نجفی کاشف‌الغطاء که در احکام‌الجهاد از او به شیخ‌المجتهدین یاد می‌شود؛ میرزا ابوالقاسم قمی، ملقب به محقق قمی که در احکام‌الجهاد با لقب علامه‌العلماء شناسانده شده است؛ آقا سیدعلی طباطبایی صاحب ریاض‌المسائل، صاحب احکام‌الجهاد با نام سید المجتهدین از او نام می‌برد؛ سیدمحمدبن علی طباطبایی مشهور به مجاهد آقا سیدمحمد در رساله‌ای به نام الجهاد‌العباسیة؛ شیخ محمدحسن قزوینی؛ حاج میرمحمد حسین اصفهانی که در احکام‌الجهاد، سلطان المجتهدین خطاب شده است؛ ملاعلی‌اکبر اصفهانی؛ آقا شیخ هاشم کعبی در رساله‌ای به نام العباسیة الحداد فی جهاد اهل الشرک و الالحاد؛ ملا محمدرضا همدانی؛ ملا احمد نراقی.

این‌گونه رساله‌ها در سال‌های ۱۲۲۳ تا ۱۲۲۴ قمری به دست میرزا بزرگ فراهانی رسید و وی به تدوین و تبویب آنها همت گمارد؛ چرا که خواندن و آگاهی یافتن بر مطالب چندین رساله که برخی از آنها به زبان



دفاعی و جوب می‌یابد؟ آیا واجب است تا در جهاد دفاعی، تمام جنگجویان احکام جهاد را بدانند؟ اگر در هجمة کفار، آهنگ ایشان برخی از مسلمانان باشد و نه همه آنان، آیا دفاع بر تمام مسلمانان واجب است یا تنها بر ساکنان سرزمین‌هایی که کفار به آنها هجوم آورده‌اند؟ آیا دریافت حقوق دیوانی که گمان مخلوط بودن آن به مال حرام و غصبی می‌رود، در هنگام جنگ حلال است یا حرام؟ و جز اینها.<sup>۴</sup>

از گزارش‌های مربوط به این عصر چنین برمی‌آید که با پیش آمدن شرایط بحرانی دربار و از آن جا که پس از خروج فرانسوی‌ها از ایران و ورود هیأت انگلیسی هنوز دوره‌ی وعده‌های سرهارد فورد جونز و

غفلت ورزیده است.

اختلاف نسخه‌ها در پایان کتاب مذکور افتاده<sup>۱۸</sup> و بسیار اندک است. گاه به سبب ناخوانا بودن نسخه‌ها به جهادیه وسطی نیز رجوع شده است؛ مصحح گرامی معانی تمام آیات، اشعار و جملات عربی را در پاورقی آورده ولی مصادر اشعار را استخراج نکرده است؛ همچنین اغلاط چاپی فراوان و ناهمخوانی فهرست مطالب با سرفصل‌ها، بی‌نظمی مقدمه تصحیح که گویی چندین بار و در زمان‌های مختلف به نگارش درآمده از ایرادات قابل ذکر این چاپ است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. غلامحسین زرگری‌نژاد متولد سال ۱۳۲۹ ش. در بجنورد است از جمله پژوهش‌های به چاپ رسیده او رسائل مشروطیت؛ خاطرات امیر احمدی، رسائل سیاسی دوره قاجار و تاریخ صدر اسلام است.
۲. کشف‌الغطاء، ص ۳۹۲.
۳. مآثر سلطانیه، ص ۱۴۵.
۴. وحید بهبهانی، ص ۲۶۲.
۵. احکام‌الجهاد، ص ۳۰۹-۳۳۰.
۶. مآثر سلطانیه، ص ۱۴۶.
۷. تلخیص‌التواریخ، ج ۱، ص ۱۸۴.
۸. تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۹۳.
۹. گنجینه نشاط، ص ۱۰۷.
۱۰. «مکاتبه میان دولت شاه با کنسول فرانسه در بصره»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال سوم، ص ۱۶۷-۱۶۸.
۱۱. تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۹۳.
۱۲. مخالفت‌های قائم‌مقام با کفار بنی‌الاصغر (روس‌ها) بسیار چشمگیر است؛ وی می‌نویسد: «روسیه را هم نقض عهد و پیمان‌شکنی سرشته طبیعت، و قانون ملت است»؛ احکام‌الجهاد، ص ۸۶.
۱۳. تاریخ وفات کاشف‌الغطاء در کشف‌الغطاء، ص ۴۷۳ به اشتباه ۱۲۲۷ ق. ضبط شده است.
۱۴. مآثر سلطانیه، ص ۱۴۵.
۱۵. تهران، بدون تاریخ، رقیعی، مصور.
۱۶. منشآت، ص ۱۹۵-۲۴۷.
۱۷. قبیله عالمان دین، ص ۲۲۵.
۱۸. احکام‌الجهاد، ص ۳۸۶-۳۹۵.

عربی نگارش یافته بود برای همگان مشکل می‌نمود. میرزا بزرگ مطالب موجود در رساله‌ها را به صورت چکیده و همراه با شرح و مقدمات لازم و آرای علمای متقدم شیعه درباره جهاد فراهم آورد. البته با توجه به اشاراتی در مذمت صلح، شاید این اثر سال‌ها پیش از عقد عهدنامه گلستان به سامان رسیده باشد.<sup>۱۲</sup>

همچنین وجود کلمات دعایی «طاب ثراه» در مقابل نام شیخ جعفر کاشف‌الغطاء، تاریخ تکمیل نهایی این کتاب را به سال‌های پس از مرگ کاشف‌الغطاء نجفی یعنی ۱۲۲۸ قمری بدین سو می‌کشاند.<sup>۱۳</sup> گزارش صاحب مآثر سلطانیه نیز در باب این کتاب بسیار راه‌گشا است که می‌گوید: «احکام‌الجهاد ابتدا نوشته شد ولی کتابت (نسخه‌برداری) نشد، آن‌گاه قائم‌مقام کتاب را به صورت خلاصه درآورد تا آن که مقبول افتاد و کتابت شد».<sup>۱۴</sup> البته تلخیصی که در مآثر سلطانیه از آن یاد می‌شود، تلخیص سوم از احکام‌الجهاد است؛ چرا که به جز متن اولیه احکام‌الجهاد یا «جهادیه کبیر» و جهادیه صغیر که همان رساله‌ای است که پذیرفته شد. متن خلاصه شده دیگری از احکام‌الجهاد در دست است که خلاصه‌تر از «جهادیه کبیر» و طولانی‌تر از جهادیه صغیر است. این تلخیص‌های پی‌درپی از آن رو است که فتح‌علی شاه قاجار در برهه‌ای از زمان دل به مستشاران نظامی انگلیس بسته و از انتشار فتوای علما هراسان بود.

نبايد از نظر دور داشت که حتی جهادیه صغیر هم تا پس از مصالحه مرحله اول مورد بی‌اعتنایی بود تا آن که در ذی‌حجه ۱۲۳۴ به کوشش عباس میرزا نایب‌السلطنه به چاپخانه تبریز رفت و به صورت سنگی منتشر شد. این چاپ سنگی بعدها به مناسبت دوپست‌مین سال ولادت قائم‌مقام فراهانی و به کوشش جهانگیر قائم‌مقامی افست شده است.<sup>۱۵</sup> جهادیه صغیر نیز به دلیل نایاب شدن نسخه‌های چاپی آن، در پایان چاپ حاضر با تصحیحات گوناگون درج شده است. اما از احکام‌الجهاد که در غالب منشآت میرزا ابوالقاسم فراهانی، مقدمه آن به نام پسرش ضبط شده<sup>۱۶</sup> چندین نسخه خطی شناخته شده است:

۱. کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، شماره ۲۳۴۷/۱۳۷، بدون تاریخ کتابت، ۲۰۹ برگ.
  - ۲ و ۳. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، دو نسخه.
  ۴. کتابخانه آیت‌الله نجفی در اصفهان، بدون شماره.<sup>۱۷</sup>
- تصحیح حاضر دو نسخه موجود در کتابخانه مجلس را اصل قرار داده و با نسخه کتابخانه آستان قدس نیز مقابله کرده و از نسخه خطی چهارم